

عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

مقاله پژوهشی

اصیل

Original
Article

محمد خدیاری فرد، کیوان صالحی، روح‌الله شهبایی، مسعود آذربایجانی، محمدحسن آسایش، اعظم آصفنیا، حمیدرضا آیت‌اللهی، غلامعلی افروز، سعید اکبری زردخانه، خسرو باقری نوع‌پرست، منصوره حاج‌حسینی، مرجان حسینی‌راد، مرضیه دهقانی، سعید زندی، سید سعید سجادی اناری، نرگس سجادی، علیرضا شجاعی‌زند، محمدحسین شریفی‌نیا، محسن شکوهی بکتله، هروز طهماسب کاظمی، میترا عزتی، ژریا علوی‌نژاد، باقر غباری‌ناباب، سید محسن فاطمی، ولی‌الله فرزاد، علی‌نقی قتیعی، میلاد قربانی وناجی، عبدالرحیم گواهی، اسدالله مرادی، علی مقدم‌زاده، مرضی منطقی، فاطمه نصرتی، یونس نوربخش، سید ضیاء هاشمی

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف فهم عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری انجام شد. **روش:** رویکرد این مطالعه، کیفی و روش آن پدیدارشناختی بود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۱۰۵ نفر از مطلعان در چهار خوشه دانشجویان (۷۵ نفر)، اعضای هیئت علمی (۹ نفر)، مدیران فرهنگی (۹ نفر) و استادان حوزوی (۱۲ نفر) بودند که به روش نمونه‌گزینی هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند و برای تحلیل داده‌ها از روش گلازی استفاده شد. **یافته‌ها:** درباره عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری، تحلیل داده‌ها به شناسایی ۴۹ زیرمضمون و ۲۹ مضمون منتج شد. مضامین «زندگی و رشد در خانواده‌های مذهبی»، «وجود الگوهای دینداری در جامعه و دسترسی به این الگوها»، «صداقت و اخلاص دینی در فعالیتهای مسئولان و آحاد جامعه»، «روش تدریس مدرسان دروس معارف»، «گرایش درونی و فطری انسان به دینداری»، «کسب دستاوردهای مثبت از دین و ظرفیتهای آن در زندگی» و «تقویت اندیشه‌ورزی دینی و کیفیت مبانی معرفتی»، مضامینی بودند که دست کم سه خوشه از اعضای گروه نمونه، از آنها به عنوان عوامل مرتبط با افزایش گرایش دانشجویان به دینداری یاد کردند. درباره عوامل مرتبط با کاهش گرایش به دینداری، تحلیل داده‌ها بیانگر ۸۷ زیرمضمون و ۶۰ مضمون اصلی بود. مضامین «سوء عملکرد افراد به ظاهر مذهبی»، «سوء رویه‌ها در تبلیغ و تبیین دین»، «عوامل مربوط به آموزش دروس عمومی»، «ویژگی‌های شناختی و روانی دانشجویان»، «عوامل اجتماعی» و «اقتصادی» و «عوامل مربوط به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها»، مضامینی بودند که دست کم سه خوشه از اعضای گروه نمونه به عنوان عامل مرتبط با کاهش گرایش به دینداری معرفی کردند. **نتیجه‌گیری:** توجه به این عوامل در سیاستگذاری برای تربیت دینی دانشجویان امری ضروری است و پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای دینداری دانشجویان، نهادهای فرهنگی دانشگاه ضوابط مشخص آموزشی با لحاظ عوامل مؤثر احصا شده، تدوین کنند.

واژگان کلیدی دینداری، دانشجویان، عوامل کاهنده و افزایش، کاهش گرایش، پدیدارشناسی.

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

۱. دکتری روان‌شناسی بالینی، استاد گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، مقابل کوی نصر، خیابان دکتر کاران، نامبر: ۸۳۳۳۴۱۸/ut.ac.ir/Email: khodayar@ut.ac.ir
۲. دکتری سنجش آموزش، استادیار گروه روشها و برنامه‌های آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۳۰ دکتری روان‌شناسی تربیتی، استادیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، ۴ دکتری کلام جدید (فلسفه دین)، استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم رفتار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، ۵ دکتری مشاوره، استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۶ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۷ دکتری فلسفه، استاد بازنشسته گروه فلسفه، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، ۸ دکتری روان‌شناسی، استاد ممتاز گروه روان‌شناسی کودکان استثنائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۹ دکتری سنجش و اندازه‌گیری، استادیار گروه روان‌شناسی تحولی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، ۱۰ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، استاذ ملی فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۱ دکتری روان‌شناسی تربیتی، استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۲ دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳ دکتری علوم تربیتی، استادیار گروه روشها و برنامه‌های دینی و آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۴ دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، ۱۵ دانشجوی دکتری کودکان استثنائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۶ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار گروه فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۷ دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ۱۸ دکتری روان‌شناسی، استادیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، ۱۹ دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان با توانایی ویژه، استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲۰ دکتری مدیریت راهبردی، دانشکده آردا، سامان، معاون مرکزی تهران، ایران، ۲۱ دکتری مدیریت و بهنجاری آموزش استادیار گروه مدیریت و بهنجاری آموزش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲۲ دکتری روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲۳ دکتری روان‌شناسی، استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲۴ دکتری روان‌شناسی، استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲۵ دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، ۲۶ دکتری علوم تربیتی، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران، ۲۷ دانشجوی دکتری مشاوره تربیتی، گروه مشاوره، دانشکده علوم رفتاری، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران، ۲۸ دکتری ادیان، استادیار گروه دین‌شناسی تطبیقی، مرکز پژوهش ادیان جهان، تهران، ایران، ۲۹ دکتری علوم تربیتی، دانشیار گروه علوم تربیتی، پردیس نسیم، دانشکده فرهنگیان، تهران، ایران، ۳۰ دکتری سنجش آموزش، استادیار گروه روشها و برنامه‌های آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۳۱ دکتری روان‌شناسی، استاد گروه روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، ۳۲ دکتری روان‌شناسی، استادیار گروه آموزش کودکان استثنائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۳۳ دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۳۴ دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

الف) مقدمه

از چشم‌انداز اسلامی، گرایش به خداوند امری فطری است؛ تا جایی که افراد خدا‌ناباور نیز واجد این ویژگی درونی‌اند (روم: ۳۰). از جمله شواهد مؤید چنین ادعایی، توجه به خداوند در شرایط پریشانی و رنج (زم: ۴۹) و اقرار به وجود «موجود برتر» در همهٔ انسانها (زم: ۳۸) است. با این حال، پژوهش‌های علمی، دین را پدیده‌ای اجتماعی دانسته‌اند؛ به طوری که مجموعه‌ای از تأثیرات محیطی مانند یادگیری مشاهده‌ای، فشارهای هنجاری و فرهنگی، تبادل اجتماعی، دینداری و تأکیدات اخلاقی والدینی و بافت فرهنگی اجتماعی می‌توانند به تفاوت‌های فردی در درگیری دینی منجر شوند. (برادشاو و الیسون، ۲۰۰۸)

بسیاری از تبیین‌هایی که برای کاهش دینداری استفاده شده‌اند، بر فرضیهٔ سکولار شدن^۳ متکی‌اند که مدعی است دین در نتیجهٔ تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی، تأثیرات اجتماعی خود را از دست داده است (لیائو،^۴ ۲۰۱۹). بر اساس این نظریه، به طور خاص توسعهٔ اقتصادی سبب می‌شود دین در قالب نهادی سازمان‌یافته نقش کمتری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و به طور کلی‌تر در فرایندهای اجتماعی و قانونی ایفا کند. یکی از تظاهرات چنین موضوعی در کشورهای توسعه‌یافته آن بوده که میزان حضور در کلیسا به کمترین حد رسیده است یا به موازات آنکه در کشوری بوروکراسی رشدیافته‌تر و قانون بر تمامی امور مسلط می‌شود، حکومت از مداخله در دین رسمی فاصله می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به کشورهایی مانند مکزیک، ژاپن، کره جنوبی و ایرلند اشاره کرد (مک‌کلری و بارو،^۶ ۲۰۰۶). برخی مدعی‌اند که می‌توان سازوکار این اثرگذاری را چنین تبیین کرد که در نتیجهٔ نوسازی، نفوذ اجتماعی دکتین دینی به واسطهٔ توسعهٔ عقلانیت،^۷ علم، فناوری و شهرنشینی، کاهش می‌یابد (پرز-آگوت،^۸ ۲۰۱۴). با این حال، برخی اندیشمندان اثرگذاری مدرن شدن بر دینداری را نه کاهش، بلکه حمایتی دانسته‌اند. این گروه معتقدند مدرن شدن نه تنها موجب به حاشیه رفتن دین نمی‌شود، بلکه بستری است که انسان معاصر به دین و آموزه‌های دینی احساس نیاز کند. برای مثال، توسعهٔ خصوصی‌سازی ایمان در چنین دوره‌ای، بخشی از فرایند عرفی‌سازی است که در عین حال می‌تواند این فرضیه را به چالش بکشانند. (سورا،^۹ ۲۰۱۷)

-
1. Social Phenomenon
 2. Bradshaw & Ellison
 3. Secularization
 4. Liao
 5. Organized Religion
 6. McCleary & Barro
 7. Rationalism
 8. Perez-Agote
 9. Sorea

در کنار پرداختهای نظری، شواهد پژوهشی تجربی نیز تعیین‌کننده‌های دینداری را مورد توجه قرار دادند که از جمله آنها می‌توان به کثرت‌گرایی دینی جامعه (کاسگل و همکاران،^۱ ۲۰۱۹)، دینداری والدین (گودمن و دیر،^۲ ۲۰۲۰)، تحصیلات بالاتر، انحراف اجتماعی،^۳ عوامل دوره زندگی^۴ (مانند در معرض رفتارهایی مانند نوشیدن مشروبات الکلی و روابط جنسی نامتعارف و افسارگسیخته در دوره نوجوانی و تشکیل زندگی مشترک و والدگری در بزرگسالی قرار گرفتن می‌تواند وضعیت گرایش به دینداری را متأثر سازد) (یوکر و همکاران،^۵ ۲۰۰۷)، مذهبی بودن خانواده، جامعه‌پذیری دینی، وجود الگوهای مذهبی در جامعه، برنامه‌دستی با محوریت تربیت دینی (بایراختار،^۶ ۲۰۱۷) و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند جنس، سن، وضعیت زناشویی، بعد خانوار، درآمد و نیاز به توسعه روابط جدید (الکینسکا و چیزویک،^۷ ۲۰۱۳) اشاره کرد.

به نظر می‌رسد تعیین‌کننده‌های دینداری در جامعه ایران را نمی‌توان نه با نظریه سکولار شدن و نه تعیین‌کننده‌های فردی ذکر شده تبیین کرد؛ زیرا نظریه سکولار شدن گرچه ممکن است تبیین قابل قبولی برای بخشی از تحولات دینی^۸ انجام گرفته در جوامع مدرن به شمار رود، اما از تحولاتی که قائل به ورود دین به عرصه عمومی‌اند، مانند انقلاب ایران، به عنوان مثال نقض برای چنین فرضیه‌ای صحبت شده است (زیلینسکا،^۹ ۲۰۱۳). همچنین نکته حائز اهمیت آن است که ادعای نظریه سکولار شدن مبنی بر ناسازگاری بین مدرن شدن و دین، ریشه در تحلیل فرایندهای مدرن شدن اروپای غربی دارد. برای مثال، در بخش غربی آلمان، پذیرش مقبولی در خصوص تمایز دین بر پایه نهادینه شدن اجتماعی ایمان^{۱۰} و دین به عنوان جستجوی شخصی برای تأیید معنای حقیقی وجود داشته و کاهش دین نهادی، به عنوان بخشی از فرایند سکولار شدن دیده شده است (فروستنبرگ،^{۱۱} ۲۰۱۲). به همین دلیل، جامعه‌شناسان استثنائاتی برای این نظریه قائل‌اند که از جمله آنها می‌توان به نرخ بالای دینداری با وجود رشد سریع اقتصادی در کشورهایمانند اندونزی

-
1. Cosgel, Hwang, Miceli, Yildirim
 2. Goodman & Dyer
 3. Social Deviance
 4. Life Course Factor
 5. Uecker, Regnerus & Vaaler
 6. Bayraktar
 7. Aleksynska
 8. Religious Transformation
 9. Zielinska
 10. Institutionalized Community of Faith
 11. Furstenberg

566 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

اشاره کرد (پرز-آگوت، ۲۰۱۴). بر این اساس، به سبب ماهیت اروپامحوری چنین نظریه‌ای، به نظر می‌رسد قابلیت کاربست برای تبیین تحولات دینداری جامعه ایران را نداشته باشد؛ این خلأ نظری، بخشی از ضرورت‌های نیاز به اکتشاف نظری، مفهوم‌پردازی یا دست‌کم شناسایی عوامل ویژه مرتبط با تحولات دینداری در جامعه دانشجویی ایران را نشان می‌دهد. پرواضح است که می‌توان بخشی از اهمیت و ویژه بودن نیاز به چنین مطالعاتی را برای تبیین یا واکاوی در عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری، به واسطه تحولات اجتماعی گسترده‌ای که دست‌کم در نزدیک به ۵۰ سال اخیر توأمان با برخی تحولات جهانی در ایران اتفاق افتاده است، تبیین کرد.

در کنار این تحولات، برخی روندهای اثرگذار بر دینداری نیز در سالهای اخیر در ایران اتفاق افتاده که شاید یکی از مهم‌ترین آنها افزایش سطح تحصیلات در بخشهای بیشتری از جامعه است. درباره رابطه سطح تحصیلات و دینداری، برخی این مفروضه را مطرح می‌کنند که افراد دارای تحصیلات بالاتر، علمی‌تر هستند؛ بنابراین، تمایل بیشتری دارند باورهایی را که بر نیروهای فراطبیعی تأکید می‌کنند، رد کنند؛ یا آنکه تحصیلات ارزش زمان را افزایش می‌دهد و در نتیجه، فرصت انجام فعالیتهای دینی در افراد تحصیل کرده کمتر می‌شود. دیدگاه مقابل چنین مفروضه‌ای نیز معتقد است باورهای دینی همانند بسیاری از فرضیه‌های نظری، مستلزم تفکر انتزاعی‌تر یا ایمان است. اگر افراد تحصیل کرده بیشتر قادر به استدلال نظری مورد نیاز برای بررسی عقلانی‌اند، ممکن است بیشتر قادر یا مایل به انتزاعیات مورد نیاز برای حمایت از باورهای دینی باشند؛ از این رو، افراد تحصیل کرده ممکن است دیندارتر باشند. (مک‌کلری و بارو، ۲۰۰۶)

برخی مطالعات پراکنده نیز در خصوص عوامل اثرگذار بر دینداری در ایرانیان انجام شده که به عواملی مانند وجود باورهای دینی در اعضای خانواده و معلمان، برنامه‌های تبلیغاتی دینی و رسانه‌ها، جلسات و کمپین‌های دینی (زارعی و همکاران، ۲۰۱۵)، بینش در مورد زندگی شخصی، جامعه‌پذیری معنوی و آرامش روان (حاجی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۹)، رسانه‌ها، دولتمردان، مبلغان دینی، خانواده و آموزش دینداری (میرشاه جعفری و تقی‌زاده، ۱۳۹۵)، الگوبرداری معنوی، ادراک از دینداری والدین و ویژگی‌های شخصیتی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵)، پایگاه اجتماعی اقتصادی (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۱)؛ فتحی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵)، رسانه‌های جدید (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵)، استفاده از وسایل ارتباط

جمعی و گرایش به مدرنیته (نوروزی و فرهادیان، ۱۳۹۳) و انواع رسانه و دو نهاد آموزش و خانواده (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۲) اشاره کرده‌اند. این مطالعات اغلب با استفاده از مقیاسهای خود گزارش دهی روی نمونه دانشجویی انجام گرفته است و تعیین کننده‌های دینداری از منظر مدیران فرهنگی و افراد متخصصی مانند استادان دانشگاه و استادان حوزوی را شامل نمی‌شود. همچنین برخی از این مطالعات فاقد رویکرد اکتشافی بوده و به روشنی از ابتدا نگاه نظریه‌ای خاص خود را داشتند و به طور خاص متمرکز بر رویکردهای نظری خارجی بوده‌اند. مطالعه رضادوست و همکاران (۱۳۹۱) در چارچوب نظری یواخیم واخ، جرج استولز و پیتر برگر؛ مطالعه فتحی و همکاران (۱۳۹۴) بر مبنای نظریه وبر، مارکس و اینگلهارت و مطالعه رحیمی و همکاران (۱۳۹۵) بر اساس تلفیقی از دیدگاههای ماکس وبر، امیل دورکیم، پیتر برگر و تامس لاکمن، انجام گرفت. مطالعه نوربخش و همکاران (۱۳۹۲) نیز اگرچه در مرحله‌ای از آن به شیوه‌ای اکتشافی انجام شد، اما نمونه پژوهش آن محدود به گروه دانشجویی و مبتنی بر چارچوب نظری خاص خود انجام شد. بر این اساس، با لحاظ خلأهایی مانند عدم توفیق نظریه‌ها و پژوهشهای موجود در زمینه تبیین تحولات یا تعیین کننده‌های دینداری در ایران، فقدان مطالعات با رویکرد اکتشافی و فقدان مطالعه‌ای که نمونه شرکت کنندگان آن شامل تمامی گروه‌های دانشگاهی باشد، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه عواملی مرتبط با افزایش یا کاهش گرایش به دینداری در دانشجویان است.

ب) روش

با توجه به اینکه یافته‌های این مطالعه در شناخت و حل مسائل مرتبط با گرایش یا عدم گرایش به دینداری در دانشجویان به کار می‌رود، از نوع پژوهشهای کاربردی است. از سوی دیگر، به منظور شناسایی و بازنمایی عوامل مرتبط با دینداری دانشجویان و با توجه به فقدان مطالعات عمیق در این حوزه، استفاده از رویکرد اکتشافی برای کشف همه عوامل ضرورت می‌یابد. از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و روشی پدیدارشناسانه، ضمن کاوش در تجربه زیسته مطلعان کلیدی، در پی کشف مضامین و تعیین کننده‌های گرایش یا عدم گرایش به دینداری در دانشجویان بوده است. هدف پژوهشگر از اجرای طرح تحقیق پدیدارشناسی، آن است که معنی هر پدیده یا مفهوم را از نظر گروهی از افراد بررسی کند. صاحب نظران، دو شیوه پدیدارشناسی

568 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

هرمنوتیک^۱ یا تفسیری و پدیدارشناسی توصیفی^۲ یا تجربی را معرفی کرده‌اند که روش توصیفی در مطالعات روان‌شناختی به کار می‌رود و روش تفسیری به تحلیل تجربه‌های انسان در زمینه پدیده مدّ نظر می‌پردازد (بازرگان، ۱۳۹۸). در این تحقیق، دیدگاه مطلعان (اعضای هیئت علمی، استادان حوزوی، مدیران فرهنگی و دانشجویان) واکاوی شد و محققان به دنبال کشف، توصیف و تبیین داده‌ها بدون اعمال استنباط‌های شخصی خود و صرفاً استفاده از روایتهای مشارکت‌کنندگان بودند؛ از این رو، این مطالعه با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام گرفت.

۱. نحوه انتخاب شرکت‌کنندگان

روش انتخاب شرکت‌کنندگان در تحقیقات کیفی، هدفمند است و حجم آن نیز به سطح اشباع نظری سؤالیهای تحقیق بستگی دارد (بازرگان، ۱۳۹۸). قلمرو پژوهش حاضر، دانشگاه تهران بوده است. گروه نمونه پژوهش، شامل ۱۰۵ نفر از مطلعان بوده است که در برگیرنده چهار خوشه دانشجویی (۷۵ نفر)، اعضای هیئت علمی (۹ نفر)، مدیران فرهنگی (۹ نفر) و استادان حوزوی (۱۲ نفر) است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و از نوع ملاکی^۳ بود. در نمونه‌گیری ملاکی، تمام افراد یک مجموعه که یک ملاک خاص نظیر تعامل نزدیک و گسترده با دانشجویان و فضای دانشگاهی، برخورداری از تخصص و تجربه در حوزه‌های دینداری و برخورداری بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت در محیط‌های دانشگاهی داشته باشند، بررسی می‌شوند. گفتنی است برای حفظ محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان، به هر کدام از ایشان یک کد اختصاص یافت. از شرکت‌کنندگان در تحقیق خواسته شد بر اساس تجربیات خود به این پرسش پاسخ دهند که عوامل مرتبط با افزایش یا کاهش گرایش دانشجویان به دینداری چیست.

۲. شیوه گردآوری داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌ها از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد. ابتدا با حضور گروه‌های منتخب متخصصان موضوعی و روشی، پروتکل مصاحبه، تدوین و نهایی شد. برای رواسازی پروتکل مصاحبه و پرسشهای آن با برخی از صاحب‌نظران علوم دینی و متخصصان پژوهشهای کیفی مشورت شد و پس از اعمال نظرات اصلاحی و اجرای نمونه مقدماتی، نسخه نهایی آماده شد. زمان انجام هر مصاحبه، در دامنه زمانی ۳۵ تا ۱۲۳ دقیقه و با میانگین زمانی ۶۳ دقیقه بود.

1. Hermeneutic Phenomenology

2. Empirical Phenomenology

3. Criterion Sampling

۳. شیوه تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها اقداماتی مانند مرور یادداشتهای تدوین شده بلافاصله پس از هر مصاحبه برای تعدیل و تکمیل مطالب یادداشت شده و همچنین تحلیل با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ و نرم‌افزار مکس.کیو.دی.ای^۲ انجام گرفت. بدین منظور گامهای ذیل برداشته شد:

۱. برای آشنایی با عمق و گستره داده‌ها، روایتهای ارائه شده که به طور مرسوم پروتکل نام دارد، چندین مرتبه مطالعه شد تا با آنها انس برقرار شود. بدین منظور، از طریق راهبردهایی مانند بازخوانی مکرر داده‌ها، خواندن داده‌ها به صورت فعال و جستجوی معانی و الگوها، تلاش کردیم تا آشنایی قابل قبولی با داده‌های گردآوری شده فراهم شود.

۲. به منظور استخراج جملات مهم، به هر یک از پروتکل‌های تدوین شده مراجعه کردیم تا جملات و عباراتی را که به طور مستقیم با موضوع مطالعه مرتبط بود، استخراج کنیم.

۳. برای فرموله کردن معانی، ضمن مرور منظم جملات استخراج شده، تلاش کردیم تا به درک معانی هر یک از جملات پی برده شود.

۴. مراحل پیشین برای تمامی مصاحبه‌ها تکرار شد تا معانی فرموله شده و مرتبط به هم در قالب خوشه‌هایی از مضامین تدوین شوند.

۵. در ادامه، نتایج در قالب توصیفی جامع از موضوع مورد مطالعه، تلفیق شد.

۶. به منظور درک ساختار ذاتی پدیده، تلاش کردیم تا با استفاده از روایتهای پدیده تحت مطالعه به صورت بیانیه‌ای صریح و روشن توصیف شود.

۷. در انتها، برای بررسی و تأمین پایایی یافته‌ها از شیوه‌های بازرسی و بازبینی در زمان کدگذاری^۳ بهره‌گیری از نظرات همکاران پژوهشی و تأیید آنها (ممیز بیرونی)^۴ و درگیری طولانی مدت^۵ استفاده شد. در شیوه بازرسی و بازبینی در زمان کدگذاری به دست آمده، برای جلوگیری از بدفهمی محققان، اطلاعات کسب شده دوباره به اطلاع رسانها نشان داده شد و مورد

1. Colaizzi

2. MAXQDA

3. Membercheck

4. External Audit

5. Prolonged Engagement

570 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

تأیید آنان قرار گرفت. در روش استفاده از نظرات همکاران پژوهشی و تأیید آنها، از نظرهای اصلاحی جمعی از استادان بهره گرفته شد. علاوه بر این، محققان مدت زمان طولانی (حدود ۱۲ ماه) درگیر موضوع پژوهش بودند و بخشی از این زمان به حضور در دانشگاه و تعامل با اعضای هیئت علمی، دانشجویان، مدیران و استادان حوزوی در فضای دانشگاه اختصاص یافت.

نگارش مقالات به روش کیفی، متضمن گزارش داده‌های متنی (نه عددی) است که از طریق لغات، موضوعات و نوشته‌ها مشخص می‌شود و اغلب از نقل قولهای مستقیم شرکت‌کنندگان ضمیر اول شخص مفرد، یا در اصطلاح «صدای فعال»^۱ استفاده می‌شود؛ چنین صدایی به اطمینان بیشتر منجر می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر سعی شد به این ویژگی‌ها در نگارش توجه ویژه شود.

برای ارتقای اعتبارپذیری^۲ یافته‌ها (معادل روایی درونی^۳ در پژوهش کمی)، از فون و راهبردهایی مانند حضور طولانی مدت در محیط پژوهش و صرف زمان طولانی با شرکت‌کنندگان، تبادل نظر با هم‌تایان^۴ و کنترل از سوی اعضا استفاده شد. همچنین از سه‌سویه‌نگری^۵ مبتنی بر تنوع بخشی در گروه‌های مورد مطالعه و تحلیل موارد منفی و متناقض^۶ تفسیر شده در داده‌ها و نظرات چهار نفر از استادان و متخصصان علوم دینی، به منظور اعمال نظر نهایی بهره گرفته شد. همچنین تلاش شد با توصیف دقیق زمینه مطالعه، پیش‌فرضها و شرایط پژوهش و ارائه جزئیات آن، زمینه لازم برای افزایش انتقال‌پذیری^۸ یافته‌های پژوهش (معادل روایی بیرونی^۹ در پژوهش کمی) فراهم شود. به منظور ایجاد قابلیت اطمینان^{۱۰} به پژوهش (معادل پایایی در پژوهش کمی)، تلاش شد تا با تشریح جزئیات چگونگی گردآوری داده‌ها، نحوه تصمیم‌گیری‌ها، تفسیر و تحلیل‌های طی شده در فرایند پژوهش، زمینه‌ای برای انجام «مسیرنمای حسابرسی»^{۱۱} فراهم شود. همچنین برای ارتقای تأییدپذیری^{۱۲} یافته‌های پژوهش (معادل عینیت در

-
1. Active Voice
 2. Credibility
 3. Internal Validity
 4. Peer Debriefing
 5. Member Check
 6. Triangulation
 7. Negative Case Analysis
 8. Transferability
 9. External Validity
 10. Dependability
 11. Auditing Trail
 12. Confirmability

پژوهش کمی)، تلاش شد تا از طریق یادداشت میدانی و در فرایند تحلیل و تفسیرهای انجام گرفته، تا حد امکان، اندیشه‌ها، باورها و انتظارات ذهنی پژوهشگران در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها کنترل شود.

ج) یافته‌ها

در این قسمت، ابتدا یافته‌های مربوط به هر یک از گروه‌های چهارگانه نمونه ارائه می‌شود و در پایان برای حصول به پاسخ موسع به پرسش پژوهش، یافته‌ها یکپارچه خواهند شد.

۱. خوشه اعضای هیئت علمی

از مقایسه و به هم مرتبط کردن جملات مهم برخاسته از روایت‌های مصاحبه با اعضای هیئت علمی، زیرمضامین اولیه شکل گرفت و در ادامه با مقایسه و دسته‌بندی زیرمضامین‌ها، ۱۱ زیرمضمون و هفت مضمون اصلی در زمینه عوامل حمایت‌کننده از دینداری در دانشجویان شناسایی شد. (جدول ۱)

جدول ۱: تعیین‌کننده‌های دینداری دانشجویان از منظر اعضای هیئت علمی

عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری		عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری	
زیرمضامین	مضامین	زیرمضامین	مضامین
سوء عملکرد مسئولان؛ سوء عملکرد استادان ظاهر مذهبی؛ سوء عملکرد افراد به ظاهر دیندار؛ سوء عملکرد کارکنان ظاهر مذهبی؛ سوء عملکرد کارکنان خانواده‌ها	سوء عملکرد	دین اجتماعی شده؛ بهره بردن از ظرفیتهای دین در زندگی؛ ارائه دین در یک بسته قابل قبول و مفید برای دنیا و زندگی افراد؛ عنایت دادن به حضور فرهنگی دین در اذهان بیروانش؛ تمرکز بر آموزه‌های اجتماعی دین؛ تمرکز بر پرورش مهارتهای زندگی دانشجویان بر پایه آموزه‌های دینی؛ تمرکز بر پرورش مهارتهای اخلاقی دانشجویان؛ اندیشه‌ورزی دینی؛ زمینه‌سازی برای معرفت و درک درست از مسائل دینی؛ دسترسی‌پذیری به الگوهای دینی؛ الگوپذیری از شخصیت‌های وارسته، کامل و جذاب متأثر از آموزه دینی؛ زمینه‌سازی برای دسترسی به مصداق‌های ناب دینداری در جامعه؛ توجه به ابعاد عاطفی و انسانی دین	دستاوردهای دینی
ظاهر گرایی دینی؛ سودجویی مبتنی بر دین؛ پررنگ شدن دینداری گزینشی در جامعه؛ وجود ملاک‌های دینی غیر ضروری برای قضاوت در خصوص دانشجویان؛ نمایش جلوه‌های دین غیر اخلاقی؛ توجه به مناسک و ظواهر بیشتر از روح دین	عامل دین ابزاری (۲)	گفتگو محوری؛ برجسته‌سازی اخلاق محوری و عاملیت دینی در تدریس به ویژه در دروس معارف	عامل آموزشی (۲)
ارائه غیر معقول، دستوری و جلوه خشن از دین؛ مراعات نشدن کرامت	عامل تبلیغی-تبیینی (۳)	زندگی در خانواده مذهبی؛ بزرگ شدن در محیط مذهبی	عامل خانوادگی (۳)

572 عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

افراد در گفتمان برخی مروجین؛ ارائه داستان و افکار نامتناسب با عقل و ذوق دانشجویان؛ مطلق‌انگاری در خصوص الگوهای دینی در جامعه؛			
وجود فساد یا احساس وجود آن؛ وجود الگوهای نامناسب	۴) چالشهای اجتماعی	متأثر بودن از فرایند جامعه‌پذیری؛ زندگی در جامعه دینی؛ تقویت روابط محله‌ای؛ تأثیرگذاری نظام دینی اولیه که فرد در آن نظام دینی، پرورش یافته»	۴) عامل اجتماعی
کم توجهی به مقوله تربیت در نظام دانشگاهی؛ ناقص بودن چرخه نظام تربیتی؛ الزام به شرکت در کلاسهای معارف؛ غایبی و مسلم دانستن علوم انسانی در دانشگاه؛	۵) چالشهای آموزشی	برخورد اخلاقی متولیان دینی؛ یکسانی حرف و عمل متولیان دینی؛ عملکرد موفق افراد مذهبی و دیندار؛ رعایت حرمت مخاطبان در چارچوب دین	۵) عامل عملکردی
دسترسی به روایتهای متعدد از دین در فضای مجازی؛ کم بودن فعالیت گرایشهای سنتی در فضای مجازی؛ اعتماد افراد به محتوا و شبکه‌های منتشرکننده محتوای اخیر	۶) شبکه‌های اجتماعی - رسانه‌های داخلی؛	تأسیس حکومت دینی؛ قرار گرفتن مسوولان دین‌باور در موضع قدرت سیاسی؛ برخورد سیاسی نداشتن با مسائل دینی شهروندان	۶) عامل سیاسی
ضعف قوه تحلیل‌گری و مساوی تلقی کردن دین با دیندار؛ گرایش به دین مطرح‌شده از سوی روشنفکران دینی؛ ازهم‌گسیختگی رفتاری و روانی؛ عقده‌های روانی	۷) عوامل شناختی روانی دانشجویان	ارتقای سواد رسانه‌ای؛ حضور در مراسم مذهبی و سفر به اماکن زیارتی؛ «اثرات تبلیغی - تبیینی رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی	۷) عامل تبلیغی - رسانه‌ای
نقش پررنگ مدرنیته در جامعه دینی؛ گفتمان مدرن فزاینده؛	۸) عامل مدرنیته		
شهرت‌پرست بودن؛ دنباله‌روی از لذت آنی؛	۹) عوامل غریزی		
مجبرب‌نبودن برخی از استادان دروس معارف؛ مستند ارائه نشدن مطالب در درس روان‌شناسی در قرآن؛ اجباری بودن گذران دروس معارف؛ محتوای ضعیف دروس معارف؛ احساس فقدان امنیت در ذهن مخاطبان برای مطرح کردن ذهنیات؛	۱۰) ماهیت و نحوه اجرای برنامه‌ها		
گرایش به تفسیرهای جدید از دین به جای تفسیرهای سنتی؛ پرسشگری عمیق و کنجکاوی به دلیل دسترسی آزاد به اطلاعات؛ فقدان وجاهت عقلانی برخی باورهای سنتی	۱۱) کنجکاوی و بروز شبهات دینی		
زندگی زیر خط فقر در جمعیت قابل توجه؛ فقدان رفاه اقتصادی؛ کم توجهی به سلسله‌مراتبی نیازها	۱۲) چالشهای اقتصادی		
تضعیف شدن جهانی گرایش به دینداری؛ ظهور برخی چالشهای نظری در سطح جهانی؛ جدا شدن جهان با مرزهای دینی	۱۳) عامل تحولات بین‌المللی		

۲. خوشه استادان حوزوی (روحانیان)

در خوشه استادان حوزوی گروه نمونه، کدهای اولیه تفسیر شدند و از به هم مرتبط کردن آنها، ۱۱ زیرمضمون و هفت مضمون اصلی در زمینه عوامل حمایت کننده از دینداری در دانشجویان شناسایی شد. (جدول ۲)

جدول ۲: تعیین کننده‌های دینداری دانشجویان از منظر استادان حوزوی

عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری		عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری	
زیرمضمین	مضمین	زیرمضمین	مضمین
سوء عملکرد مسئولان دولتی و حکومتی، سوء عملکرد استادان حوزوی، سوء عملکرد استادان دانشگاهی	عامل عملکردی	وضعیت الگوهای جامعه	عامل اجتماعی
	پارادایم، ساختار و فعالیت‌های دینداری درون دانشگاهی	جذابت ذات دین	جاذبه ماهوی دینی
	برنا مهریزی و فعالیت‌های برون مرزی	کیفیت مبانی معرفتی، شناخت حقیقی آثار اعمال دینی، فعالیت نهادهای مذهبی در دانشگاه	عامل معرفتی
ضعف در تحلیل‌گری؛ ضعف در بصیرت دینی دانشجویان	عوامل شناختی روانی دانشجویان	عملکرد استادان، مروّجان منسوبان دینی	عامل عملکردی
		عملکرد و اعتقادات خانواده	عامل خانوادگی
	عامل اجتماعی	تأثیر شرکت در مراسم مذهبی، راحتی انجام مناسک در حکومت اسلامی	مناسکی
	سیاست‌زدگی حوزه‌های دینی	تأثیر دوستان	عامل همسالان
	شبکه‌های مجازی و رسانه‌های داخلی	تأثیرات خودشناسی	عامل فردی
	تغییر ملاک‌های دینداری دانشجویی	تأثیر نظام آموزش و پرورش	آموزش پیش از دانشگاه
	مسائل خانوادگی		
	معرفی نشدن الگوهای سازنده		
	چالش‌های اقتصادی		
	سست شدن باورهای دینی مسئولان		
	به موقع ارضا نشدن نیازهای جنسی		

574 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

۳. خوشه مدیران فرهنگی

تحلیل داده‌های برگرفته از مصاحبه با مدیران فرهنگی، به شناسایی هشت مضمون و ۱۲ زیرمضمون مؤثر بر گرایش دانشجویان به دینداری منجر شد. این مضامین فرعی از لحاظ نزدیکی مفهوم، به هشت مضمون اصلی تقسیم شدند. مضامین اصلی و فرعی مذکور در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: تعیین‌کننده‌های دینداری دانشجویان از منظر مدیران فرهنگی

عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری		عوامل مرتبط با کاهش گرایش به دینداری	
مضامین	زیرمضامین	مضامین	زیرمضامین
عملکردی	رعایت صداقت در فعالیتها، تأثیر استادان عامل به دینداری	سوء تبلیغ و تبیین دین	تبیین نشدن شبهات دینی؛ ترویج نامناسب و بخشی از دین؛ تحمیل تکالیف فراتر از ظرفیت و رسالت دین؛ ترویج احکام محوری؛ نمایش تصویر ناموفق دین در مدیریت جامعه
رسانه‌ای تبلیغی	تأثیر تبلیغات و اطلاع‌رسانی تعاملی	سوء عملکرد	اجرای نادرست امر به معروف و نهی از منکر؛ متخلق نبودن برخی مروجان؛ انفعال در تبیین جذابیتها
دستاوردهای دینی	استفاده از رویکرد مشارکت‌طلبانه در ارائه خدمات؛ کارآمدی دین در بهبود کیفیت زندگی و رفاه جامعه؛ باور به کارآمدی دین در ارتباط بین امور دنیوی و اخروی	عوامل شناختی و روانی دانشجویان	ضعف در تحلیل؛ احساس وجود اجبار در پذیرش دین؛ شیوع تلقی نادرست در تضاد بودن دانشمند و عالم
خانوادگی	تأثیر تربیت خانوادگی و محیط تربیتی؛ ایفای نقش الگو در خانواده توسط والدین	چالشهای آموزشی	گفتگو محور نبودن کلاسها؛ متکلم و جده بودن اساتید؛ جذاب نبودن شیوه تدریس؛ تحلیلی و نقادانه نبودن دروس معارف اسلامی؛ نمره محوری دروس معارف؛ جذاب نبودن متون دروس معارف؛ فقدان برنامه‌های غیر مستقیم ارتقای دینداری
عامل آموزشی	اثر محیط مدرسه	شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها	پس‌نگری و دروغ‌پردازی اخبار رسانه ملی؛ بزرگ‌منگنی اخبار منفی و ایجاد یأس در جوانان؛ کم‌توجهی به مسائل دانشجویان در تلویزیون؛ توزیع گریه‌های دردمست و دراختیار؛ رعایت نشدن اخلاق در گفت‌وگوها و مناظرها
گرایشهای فطری		سیاست‌زدگی حوزه‌های دینی	استفاده از دین برای توجیه سیاستهای ناروا؛ نگاه سیاسی و امنیتی به دینداری؛ وجود یا احساس وجود رانت برای سیاسیون؛ جولان دادن به قرآنتهای دینی خاص؛ استفاده ایزاری احزاب از دانشگاه برای انتخابات
عامل اجتماعی	وجود جامعه دینی؛ عامل زاینده‌گی رفتار دینی	چالشهای مدیریتی اجرایی	نبود مدیریت کلان در برنامه‌های تربیت دینی؛ استیلای نگاه کنترلی؛ برخوردهای کلیشه‌ای؛ برخوردهای بوروکراتیک با حوزه دینداری؛ نگاه سکولار در جذب و ارتقای اساتید
عامل ماهوی دین	قدمت و پیشینه مباحث دینی	چالشهای خانوادگی	کم‌توجهی به تربیت عقلانی و آگاهانه دینی توسط والدین؛ دینداری سستی و تقلیدی در برخی خانوادهها؛ سبک‌های تربیتی
		چالشهای مربوط به ماهیت و نحوه اجرای برنامه‌ها	رسالت‌محور و مردم‌محور نبودن برنامه‌های پرورش دینداری؛ وجود افراط و تفریط در برنامه‌ها؛ کلیشه‌ای و فرمالیته برگزار شدن برنامه‌ها
		چالشهای محیطی	آلودگی برخی از محیطهای دانشگاهی و خوابگاهی (مواد مخدر، شرب خمر، روابط نامشروع)
		چالشهای اقتصادی	
		عوامل همسالان	
		ارضانشدن نیاز جنسی	

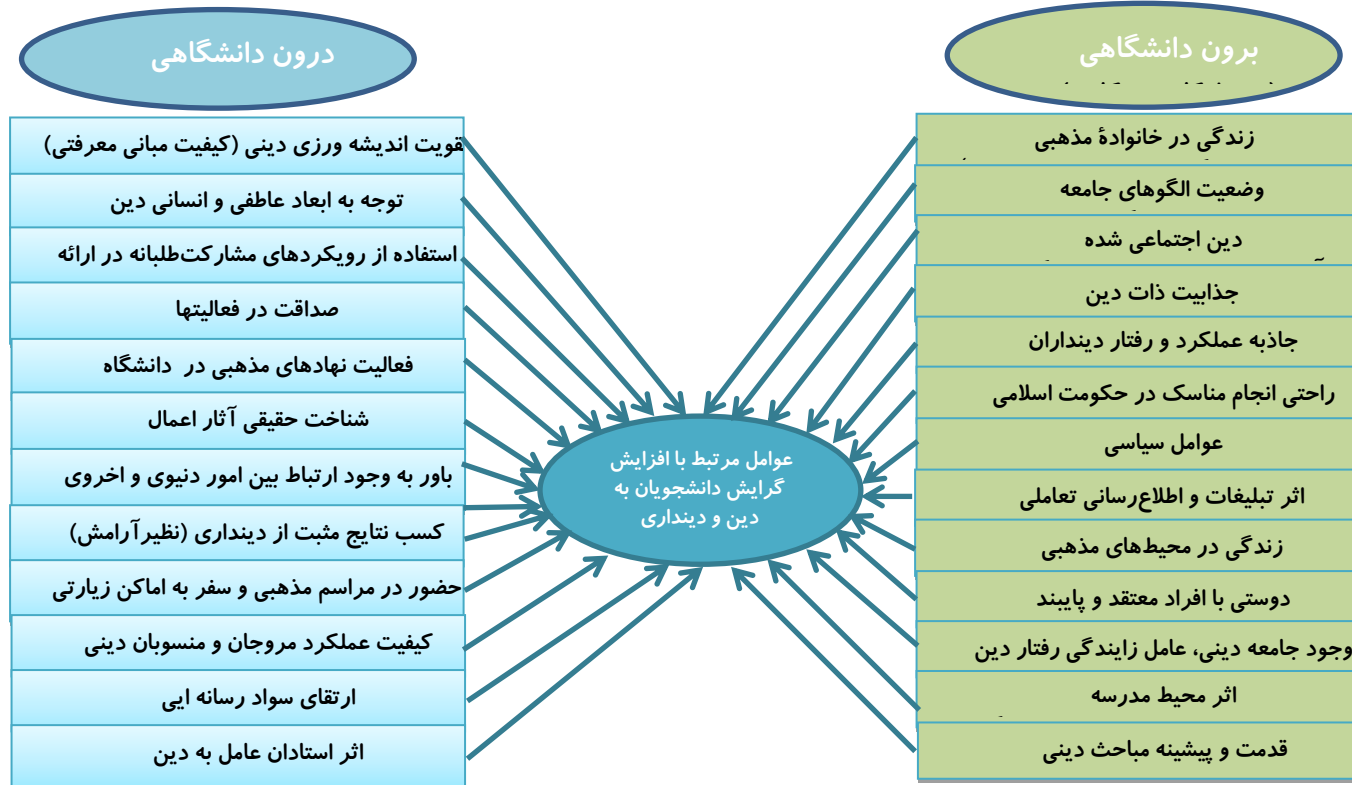
۴. خوشه دانشجویان

تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه با دانشجویان به شناسایی هفت مضمون و ۱۵ زیرمضمون درباره عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به دینداری منجر شد. (جدول ۴)

جدول ۴: تعیین‌کننده‌های دینداری دانشجویان از منظر دانشجویان

عوامل مرتبط با افزایش گرایش به دینداری		عوامل مرتبط با کاهش گرایش به دینداری	
مضامین	زیرمضامین	مضامین	زیرمضامین
خانوادگی	زندگی در خانواده مذهبی	سوء عملکرد	سوء عملکرد مسئولان، سوء عملکرد استادان حوزوی، سوء عملکرد استادان ظاهر مذهبی دانشگاهی؟
فردی	سازوکار دفاعی مقابله مؤثر با مشکلات؛ مطالعه و تفکر در زمینه دین؛ احساس آزادی در انتخاب دین	چالشهای اجتماعی	تبعیض، تناقضات موجود و کاهش اخلاق در جامعه؛ اجبار اجتماعی در انجام امور دینی یا احساس آن؛ احساس نبود آزادی در جامعه
محیطی	زندگی در محیطهای مذهبی؛ تحصیل در فضاهای مذهبی	عامل فردی	ضعف در قدرت تحلیلیگری دانشجویان
همسالان	دوستی با افراد معتقد و متعهد؛ اطرافیان و همشینیان	عامل خانوادگی	سبکهای فرزندپروری، کم توجهی به تربیت دینی
پیامدی کارکردی	کسب نتایج مثبت از دینداری؛ مشاهده الگوی موفق دیندار در جامعه؛ حالات و رفتارهای ناشایست افراد غیردیندار؛ اقدامات نوع دوستانه دینداران	عوامل اقتصادی	
تبلیغی رسانه‌ای	حضور در مراسم مذهبی و سفر به اماکن زیارتی؛ اثرات تبلیغی رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی	عامل سوء تبلیغی تبیینی و عرضه نادرست دین	کم توجهی به استدلال محوری‌های عقلانی در سخنرانی‌ها؛ تمرکز بر نمایش و برجسته‌سازی جنبه‌های منفی و خشن دین؛ افراط در احکام محوری؛ تبیین نشدن رابطه علوم قرآنی با سایر علوم؛ استفاده نکردن از روشهای دینی در آموزش آموزه‌های دینی
فطری	فطرت و ذات گرایشهای درونی انسان	شبکه‌های مجازی و رسانه‌ها	ضعف داخلی و قوت خارجی
		شبهات دینی	نفی ژوتمندی؛ دنباله‌روی از لذت آنی؛ وابستگی‌های دنیوی
		عوامل غریزی	تاخیر در ارضای میل جنسی
		ظاهرگرایی دینی	
		عوامل خارجی و دشمنان	
		چالشهای فرهنگی	
		عوامل محیطی	فضای دانشگاه و خوابگاه
		مدرنیته	عدم تطابق بین دین و مدرنیته
		عامل دوستان	ترس از تمسخر دوستان

در مجموع، هر یک از دو مجموعه عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری از منظر اعضای هیئت علمی، استادان حوزوی، مدیران فرهنگی و دانشجویان را می‌توان به دو دسته کلی عوامل درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی تقسیم کرد. ملاک دسته‌بندی عوامل درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی از منظر امکان دستکاری و اعمال مداخلات در فضای دانشگاهی بوده است؛ و گرنه برخی از عوامل، ابعادی دوگانه و چندبعدی دارند. به عبارت دیگر؛ عوامل برون‌دانشگاهی آن دسته از عواملی اند که امکان دستکاری و مداخله آن در دانشگاه وجود ندارد؛ با این توضیح که امکان‌پذیر بودن مداخله در بسیاری از عوامل درون‌دانشگاهی احصاشده وجود دارد.



شکل ۱: عوامل مرتبط با افزایش گرایش دانشجویان به دینداری بر اساس تفکیک عوامل درون دانشگاهی و برون دانشگاهی



شکل ۲: عوامل مرتبط با کاهش گرایش دانشجویان به دینداری بر اساس تفکیک عوامل درون دانشگاهی و برون دانشگاهی

د) بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه تلاش شد تا عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به دینداری از منظر چهار گروه استادان حوزوی و دانشگاهی، مدیران فرهنگی و دانشجویان، شناسایی شود. مرور و مقایسه عوامل از منظر چهار گروه، به شناسایی هفت مضمون شامل «گرایش فطری به دین»، «تقویت اندیشه‌ورزی دینی و کیفیت مبانی معرفتی»، «زندگی و رشد در خانواده‌های مذهبی»، «وجود الگوهای دینداری در جامعه و دسترسی به این الگوها»، «صداقت و اخلاص دینی در فعالیتهای مسئولان و آحاد جامعه»، «روش تدریس مدرسان دروس معارف»، «کسب دستاوردهای مثبت از دین و ظرفیتهای آن در زندگی» منجر شد. در ادامه، نقش این عوامل در دینداری با نگاهی انتقادی تبیین می‌شود.

۱. عوامل مرتبط با افزایش دینداری

یک) زندگی و رشد در خانواده مذهبی

یافته‌های این مطالعه مبنی بر اهمیت مذهبی بودن خانواده و وجود الگوهای دینی در جامعه و نقش آن در ایجاد زمینه برای گرایش دانشجویان به دینداری، تا حدودی با تبیین بایراختار (۲۰۱۷) درباره تعیین‌کننده‌های دینداری در جامعه ترکیه همسو بوده است. این یافته در مطالعه خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۹۸) نیز تأیید شده است. در این مطالعه نشان داده شد دینداری والدین در دوره نوجوانی فرزند با دینداری فرزند در این دوره سنی همبستگی مثبت دارد و احتمال دینداری در سنین جوانی و بزرگسالی را نیز پیش‌بینی می‌کند. نتیجه مطالعه گودمن و دیر (۲۰۲۰) و اسپیلمن و همکاران (۲۰۱۲) نیز بر اثرگذاری رشد در خانواده مذهبی بر دینداری فرزندان صحه گذاشت؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را با عواملی مانند تعمیم الگوی دلبستگی ایمن از والدین به پروردگار متعال، جامعه‌پذیری دینی و یادگیری مشاهده‌ای از والدین تبیین کرد. فرزندان در خانواده‌های مذهبی، زمانی که الگوی دلبستگی ایمن با والدین خود دارند، این نوع دلبستگی را از طریق اجتماعی شدن و هماهنگی با والدین خود به خداوند نیز انتقال می‌دهند (کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۲؛ نقل از: خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین دینداری در جوانان تا حد زیادی به این موضوع بستگی دارد که آنها توسط والدینشان تا چه حد در معرض رفتارهای دینی قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که والدین، منبع نخست

جامعه‌پذیری دینی ۱ محسوب می‌شوند. باید توجه داشت که جامعه‌پذیری دینی با دیگر گونه‌های جامعه‌پذیری متفاوت است؛ زیرا فرزند احساس می‌کند بر خلاف سایر گونه‌های جامعه‌پذیری، تحت فشار است تا از باورهای دینی والدینش تبعیت کند. از سوی دیگر، الگوگیری از دینداری والدین نیز می‌تواند تبیین‌کننده رابطه محیط خانوادگی مذهبی و دینداری باشد؛ یعنی فرایند یادگیری مشاهده‌ای برای نشان دادن اینکه جوانان از طریق مشاهده تحت تأثیر رفتارها و نگرشهای دینی والدینشان قرار می‌گیرند نیز به کار گرفته شد (پتس، ۲۰۱۵). تعاملات روزانه والدین با فرزند، فرصتهای بی‌شماری را برای مشاهده و تقلید از والدین فراهم می‌آورد که به توسعه نگرشها و رفتارهای مشابه در فرزند می‌انجامد. الگوی معنوی والدین و یادگیری مشاهده‌ای آن، از سازوکارهای مهم دینداری در نوجوانان و جوانان تلقی می‌شود. (بندورا، ۲۰۰۳؛ نقل از: خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۸)

در تعالیم سنتی اسلامی نیز نقش والدین در تربیت دینی فرزندان اهمیت بسیاری دارد. با وجود اهمیت نقش خانواده در پرورش دینداری فرزندان، به چند ملاحظه مهم نیز باید توجه کرد. نخست آنکه از ۱۸ تا ۲۵ سالگی که دانشجویان نیز مشمول این گروه سنی‌اند، به عنوان دوره بزرگسالی در حال ظهور ۳ یاد می‌شود. افراد در این دوره تلاش دارند هویت و جهان‌بینی خود را تثبیت کنند و بدین منظور، شروع به جدا شدن از والدینشان می‌کنند و تمایل به آزادی برای انتخاب فعالیت یا رویکرد دینی دارند. در واقع؛ این دوره را می‌توان دوره‌ای دانست که در آن فرد شروع به بازبررسی موضوعات دینی می‌کند (استرنس و مک‌کینی، ۲۰۱۸). این موضوع در دانشگاه‌های ایران اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا دانشگاه‌های ایران به لحاظ تاریخی، واجد ویژگی‌هایی مانند سیاست‌زدگی و محیطی برای فعالیت گسترده نهادهای دینی می‌باشند و به همین دلیل، در تفسیر هر گونه اثرگذاری نقش خانواده بر دینداری فرزندان، چنین موضوعاتی باید لحاظ شود و اثر خانواده را با احتیاط تحلیل کرد.

نکته دوم آنکه، به جای توجه به رفتارهای دینی یکی از والدین، ضرورت دارد تا دینداری در نهاد خانواده مورد توجه قرار گیرد. در مطالعه گودمن و دیر (۲۰۲۰) نشان داده شد خانواده‌های دارای سطوح بالای دینداری، در انتقال باور دینی به فرزندان خود موفق‌ترند؛ در حالی که هر یک از مادر

-
1. Religious Socialization
 2. Petts
 3. Emerging Adulthood
 4. Stearns & McKinney

580 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

و پدر می‌توانند تأثیر متفاوتی بر دینداری فرزند داشته باشند. این موضوع در مطالعه استرنس و مک‌کینلی (۲۰۱۷؛ ۲۰۱۸) نیز نشان داده شد. همچنین به واسطه آنکه دینداری در خانواده‌های غیر سنتی در سطح پایین‌تری قرار دارد، در این‌گونه خانواده‌ها، اثرگذاری دینداری والدین بر دینداری فرزندان، احتمالی است (بوکر و الیون، ۲۰۱۲). امروزه به روشنی مشخص نیست که چه تعداد از خانواده‌های ایرانی که فرزند دانشجو دارند، ذیل تعریف خانواده سنتی قرار دارند.

دو) وجود الگوهای دینداری در جامعه

مضمون عمده دوم، وجود الگوهای صادق و در دسترس دینداری در جامعه و نقش آنها بر تمایل به دینداری دانشجویان بوده است. تأثیرگذاری الگوهای دینی را می‌توان با نظریه یادگیری اجتماعی و مفهوم یادگیری مشاهده‌ای تبیین کرد. یادگیری مشاهده‌ای به این موضوع اشاره دارد که افراد از طریق مشاهده زندگی یا اعمال یک الگوی معنوی در گذشته یا حال، به لحاظ دینی، رشد می‌کنند. در قرآن کریم نیز از پیامبر گرامی اسلام (ص) به عنوان الگویی نیکو یاد شده است: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (احزاب: ۲۱). در اینجا الگو به معنای نمونه یا الگویی است که می‌بایست اطاعت و از آن پیروی شود؛ فردی که رفتار، نگرش و سبک زندگی‌اش را دیگر پیروانش تقلید می‌کنند. این آیه، اهمیت سنت پیامبر (ص) را در زندگی مسلمانان نیز نشان می‌دهد. پیروی از سنت پیامبر (ص)، شکلی از پیروی از خداست. خداوند می‌فرماید: «هر کس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده و هر کس روی گردان شود ما تو را بر ایشان نگاهبان نفرستاده‌ایم» (نساء: ۸۰). روحانیان به عنوان قشر فعال و مبلغ دین در جامعه را امروز می‌توان الگوهای رسمی دینی در جامعه ایران محسوب کرد. فتحی و فتحی (۱۳۹۲) در پژوهشی روی نمونه وسیعی از سراسر ایران (بیش از ۱۵ هزار نفر)، گزارش کردند اگرچه حدود ۷۵ درصد از افراد جامعه معتقدند روحانیان تلاش زیادی برای جلب اعتماد مردم نسبت به دین دارند، اما حدود ۴۰ درصد از اعضای جامعه مورد مطالعه، معتقد بودند بخشی از روحانیان امروزه توان پاسخگویی به پرسشهای نسل جوان را ندارند. تغییر بخشی از رابطه روحانیت با مردم از همدلانه به بوروکراتیک نیز از چالشهای ارتباطی است که حسینیان و همکاران (۱۳۹۸) به عنوان یکی از چالشهای ارتباطی روحانیت با مردم در تبلیغ دین ذکر کرده‌اند. این امر، ضرورت بررسی عمیق‌تر و آسیب‌شناسانه این موضوع را به منظور جلوگیری از گسترش آن و حرکت هوشمندانه برای تأثیرگذاری مبتنی بر ضرورت وجود الگوهای دینداری در جامعه تأیید می‌کند.

سه) اخلاق محوری در روشهای تدریس به ویژه در گروه مدرسان دروس مرتبط با معارف اسلامی

رعایت اخلاق محوری در روشهای تدریس مدرسان و به ویژه مدرسان دروس معارف اسلامی، یکی دیگر از مضامین مرتبط با افزایش گرایش دانشجویان به دینداری است که توسط هر چهار خوشه گروه نمونه به آن اشاره شده است. تعمیق و گسترش اطلاعات دینی و تقویت خدا باوری و ایمان دانشجویان و گسترش آگاهی‌های دانشجویان در زمینه دین، پیامبری، اسلام، امامت و ولایت، از جمله اهداف مصرح برای دروس معارف اسلامی است (کمیته برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی، ۱۳۸۳). اینکه این اهداف تا چه اندازه تحقق پیدا کرده، نیازمند اجرای پژوهشی نظام‌مند است. با این حال، مطالعه یوسفی لویه (۱۳۸۶) نشان داد دانشجویانی که دروس معارف اسلامی ۱ و ۲ را گذرانده‌اند، در مقایسه با کسانی که آن را نگذرانده‌اند، از نگرش دینی مطلوب‌تری برخوردارند؛ اما گذراندن یا نگذراندن سایر دروس معارف اسلامی مانند اخلاق اسلامی و متون اسلامی، تأثیری بر افزایش یا کاهش گرایش به دینداری دانشجویان نداشته است. خدایاری فرد (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای پدیدارشناختی به بررسی چالشهای مرتبط با نحوه اجرای برنامه‌های دینداری با محوریت دروس معارف اسلامی در دانشگاه پرداخت و به این نتیجه رسید که عواملی مانند مجرب نبودن برخی مدرسان دروس عمومی، ارائه مطالب غیر مستند و محتوای ضعیف، به‌روز نبودن و کاربردی نبودن مطالب ارائه شده، نداشتن احساس امنیت کافی برای طرح شبهات دینی، موعظه‌گری توسط استادان، ضعف در شناخت و ارتباط با دانشجوی، مراعات نکردن عزت و کرامت افراد در گفت‌وگو، دینی ارائه شده، منطقی نبودن و جزمی بودن برخی شیوه‌های ارائه، نمایش دین غیر منطقی؛ برجسته‌سازی جلوه‌های خشن از دین (نمایش دین خشن)، ترسیم فضایی دست‌نیافتنی، رعایت نکردن کرامت دانشجوی در گفت‌وگو، تمرکز بر رویکردهای امر و نهی در معرفی دین، بی‌پاسخ ماندن شبهات دینی دانشجویان، خروج از تعادل و ایجاد پارادوکس انتخاب بین زندگی شاد یا دینداری در برخی دانشجویان، تمرکز بر تبلیغ محوری بدون تبیین دلایل و چرایی امور تبلیغی و ترویج احکام محوری بدون توجه به تبیین و پیاده‌سازی بُعد اخلاقی و عقلانی دین (نگاه تک‌بعدی به دین و کم‌توجهی به ابعاد اخلاقی و عقلانی آن)، از جمله عوامل مرتبط با ضعف دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌هاست. بر این اساس، اگرچه این عامل می‌تواند بر دینداری دانشجویان مؤثر باشد، ضروری است نوعی بازاندیشی با توجه به عوامل ذکر شده در اجرای دوره‌های آن انجام گیرد.

582 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

چهار) کسب دستاوردهای مثبت از دین و ظرفیتهای آن در زندگی

گروه نمونه پژوهش، هم کسب دستاوردهای مثبت از دین برای کاربردی در زندگی دنیوی و هم تقویت اندیشه‌ورزی دینی را مؤثر بر تمایل دانشجویان به دینداری ذکر کردند. برخی اندیشمندان، گونه نخست دین‌خواهی را که در آن افراد، دین را برای دستیابی به یک پاداش می‌خواهند، دین‌خواهی عامیانه یا معیشت‌اندیش و گونه دوم را که در آن فرد در نتیجه تأملات عقلانی درباره خداوند، وحی، سعادت و مانند آن به نتیجه‌ای خاص برای خود می‌رسد، دین‌خواهی معرفت‌اندیش نامیدند. رویکرد عقلانی به تربیت دینی، علاوه بر آنکه نمی‌تواند نقطه شروع مناسبی برای تربیت دینی باشد، به تنهایی نیز نمی‌تواند دانشجویان را به انجام دادن تکالیف دینی ملتزم کند و چه بسیار اندیشمندانی که اطلاعات و آگاهی‌های دینی فراوانی دارند، اما عمل دینی آنان متناسب با شناخت دینی‌شان نیست (سجادی، ۱۳۸۴). از این رو، توجه توأمان هم به اکتساب دستاوردهای مثبت از دین و هم تقویت اندیشه‌ورزی دینی که توسط اعضای گروه نمونه پیشنهاد شده، ارزشمند است.

۲. عوامل مرتبط با کاهش دینداری

نتایج این مطالعه نشان داد دست کم سه خوشه از چهار خوشه گروه نمونه، مضامین «سوء رویه‌ها در تبلیغ و تبیین دین»، «شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید»، «چالش‌های اقتصادی» و «اجتماعی»، «ویژگی‌های شناختی و روانی دانشجویان» و «متغیرهای وابسته به آموزش دروس معارف» می‌تواند در کاهش گرایش به دینداری دانشجویان مؤثر باشد.

یک) سوء رویه‌ها در تبلیغ و تبیین دین

پاسخ‌دهندگان در پژوهش حاضر معتقد بودند رویه‌های سوء تبلیغی و تبیینی دینی مانند معرفی نشدن الگوهای حقیقی دینداری و جولان‌دهی متظاهران به دینداری، ترویج چهره غمگین از دین، نمایش تصویر ناموفق سهم دین در حل مشکلات جامعه، عدم ارائه آموزه‌های ناب اسلامی و مانند آن، می‌تواند موجب کاهش دینداری دانشجویان شوند. تبلیغ دین امری اجتماعی و به شدت متغیر و وابسته به زمان است که تعاملات گسترده‌ای با تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد. این موضوع را می‌توان در تفاوت‌های ماهوی تبلیغ دین در دوره‌های حیات پیامبر (ص) با ائمه (ع) یا در دوران صفویه، قاجاریه یا پس از انقلاب اسلامی مشاهده کرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۸). روشهای سنتی تبلیغ دین که در آن، مبلغ درباره باورهای دینی به افراد اطلاعات می‌دهد و به شدت در دانشگاهها

و جامعه ما نیز مرسوم است، با نقدهای جدی روبه‌روست؛ از جمله اینکه تحریک‌کننده^۱ و تبلیغاتی دیده شده (دیویس و فرانسیس،^۲ ۲۰۰۷) که می‌تواند با فقدان آمادگی یا شایستگی‌های کافی در فرد مبلغ (بوسلیکی، ۱۳۹۱)، موجب چالش‌هایی مانند تبلیغ بخشی دین، ترویج احکام محوری، تبیین نشدن شبهات و مانند آن شده و آثار کاهشی بر دینداری نیز داشته باشد. از این رو، نوعی بازاندیشی در روش‌های تربیت دینی دانشجویان و در روش‌های تبلیغ دین برای این گروه ضروری است.

دو) چالش‌های اقتصادی و اجتماعی

چالش‌های اقتصادی، به ویژه آنچه در سال‌های اخیر رخ داده، عامل دیگری در کاهش گرایش به دینداری در دانشجویان معرفی شده است. ارتباط چالش‌های اقتصادی با دینداری موضوعی پیچیده است. وبر (۱۹۶۳؛ نقل از: شین، ۲۰۱۰: ۳) راهی را که افراد طبقات بالا و پایین اجتماعی به خداوند متعال متوسل می‌شوند، مؤثر بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی شخصی‌شان دانسته، معتقد است اگرچه افراد فاقد چالش اقتصادی ممکن است اعطای نعمت خداوند را در توفیقات مالی خود مؤثر بدانند، ضعفا نیز امید به جبران وضعیت نامساعد خود در زندگی اخروی خواهند داشت. این پیچیدگی ارتباط وضعیت اقتصادی با دینداری، در سنت اسلامی نیز مشاهده می‌شود؛ اگرچه بر اساس روایات اسلامی «نزدیک است که فقر به کفر انجامد» (پیامبر گرامی اسلام؛ نقل از: کلینی، ۱۳۷۹)، اما «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی‌اش بر عهده خداست» (هود: ۶). مطالعات تجربی نیز بیانگر وضعیت مناسب‌تر دینداری در طبقات پایین‌تر جامعه بوده است. حتی در مطالعات روی نمونه دانشجویی نیز چنین یافته‌ای به دست آمده است. مطالعه حضرتی صومعه (۱۳۹۵) که روی نمونه‌ای شامل دانشجویان دانشگاه آزاد انجام گرفت، به این نتیجه رسید که گروه‌های اقتصادی اجتماعی پایین‌ترین دینداری را دارند. بر این اساس، به نظر می‌رسد در جامعه دانشجویی برخی متغیرها می‌توانند رابطه وضعیت اقتصادی و دینداری را تعدیل کنند.

سه) اثر شبکه‌های اجتماعی

اثر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید بر دینداری نیز موضوعی پیچیده است. بر اساس دیدگاه نظریه‌ای سکولاریزه شدن، استفاده مکرر از رسانه‌ها، نتیجه نظام ارزشی مشخصی است که در تضاد با ارزش‌های مرتبط با دینداری قرار دارد. در حالی که دین با ارزش‌های سنتی خود مشخص

1. Indoctrinatory
2. Davies & Francis
3. Schieman

584 ♦ عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش دانشجویان به دینداری؛ بررسی پدیدارشناختی

می‌شود، نوآوری‌های رسانه‌ای محصول پیشرفتهای اجتماعی‌اند؛ در نتیجه، استفاده از رسانه‌ها موجب کاهش دینداری عملی و اعتقادی در افراد می‌شود (کولینس، ۲۰۱۱). با وجود چنین نگاهی، ورشور-کرس^۲ (۲۰۱۲) معتقد است مفروضه رابطه منفی بین دینداری و شبکه‌های اجتماعی همیشه صادق نیست؛ زیرا چنین شبکه‌هایی به واسطه ایجاد جوامع دینی ۳ حتی می‌توانند به ارتقای دینداری نیز کمک کنند. در تأیید چنین مفروضه‌ای، پژوهش میرزایی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داده است میزان عضویت در شبکه اجتماعی نیکوکاری با ابعاد مناسبی، تجربی، پیامدی و اعتقادی دینداری ارتباط مثبت دارد.

چهار) توصیه‌های سیاستی

در مجموع، این مطالعه بر اساس مصاحبه‌های عمیق و کیفی با گروه وسیعی از متخصصان، استادان حوزوی و دانشگاهی، مدیران فرهنگی و دانشجویان، به شناسایی عوامل مرتبط با افزایش و کاهش گرایش به دینداری در دانشجویان پرداخته است. توجه به این عوامل در سیاستگذاری‌ها برای تربیت دینی دانشجویان امری ضروری است و می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، به سازمانها و نهادهای ذی‌ربط پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود.

- پیشنهاد به مراکز دانشگاهی و آموزش عالی

۱. به منظور ارتقای دینداری دانشجویان، نهادهای فرهنگی دانشگاه در خصوص تدوین پروتکل‌های مشخص آموزشی با لحاظ عوامل مؤثر احصا شده، نسبت به آموزش غیر مستقیم دینداری در دانشجویان اقدام کنند. نمونه‌ای از این پروتکلها توسط خدایاری‌فرد (۱۳۹۸) با عنوان «آموزش مهارت‌های نیک زیستن» تهیه و اثربخشی آن بر نمره دینداری شرکت‌کنندگان بررسی و تأیید شد.

۲. استادان، به ویژه اساتید دروس معارف اسلامی در گفتار و رفتار خود عامل به اخلاق محوری و دین‌ورزی باشند.

۳. از نگاه به دانشجو به عنوان شنونده صرف آموزه‌های دینی یا خواننده منفعل و پذیرنده پرهیز شود و به او به مثابه یک نظاره‌گر نقاد و پرسشگر فعال نگاه شود.

1. Collins

2. Verschoor-Kirss

3. Religious Communities

۴. در مواجهه با شبهات دینی دانشجویان، استدلال محوری مورد توجه قرار گیرد.

- پیشنهاد به نهادهای فرهنگی متولی دین

۵. به جای دانش‌افزایی دینی صرف، اندیشه‌ورزی دینی و ارتقای کیفی مبانی معرفتی مورد توجه قرار گیرد.

۶. در تبلیغ و تبیین آموزه‌های دینی، ابعاد عاطفی و انسانی دین مورد توجه قرار گیرد.

۷. از رویکردهای تک‌سلیقه‌ای و انحصاری در برگزاری برنامه‌ها و فعالیتهای دینی پرهیز شود.

۸. از شخص محوری و توصیه به پرورش روحیهٔ عبد و بندگی افراد، پرهیز شود.

۹. از محوریت قرار دادن دین‌دانی پرهیز و دین‌عاملی مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. از آموزش دینی مبتنی بر چهره‌سلیبی، پرهیز و چهرهٔ ایجابی دین در تدریس، مورد توجه قرار گیرد.

۱۱. در انداز و تبشیر، مراعات اعتدال شود.

۱۲. مبلغان دینی، تطابق عمل با گفتار و عدم چشم‌داشت مالی را رعایت کنند.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابوالعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: علم.
- امیری، مجتبی؛ محمد مهدی ذوالفقارزاده و احمد کوهی (۱۳۹۸). «برآوردی از پیامدهای روندهای دینداری در آینده تبلیغ دین». *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ش ۷۷: ۲۶۲-۲۳۵.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۸). *روشهای تحقیق کیفی و آمیخته*. ویرایش نهم. تهران: دیدار.
- بوسلیکی، حسین (۱۳۹۱). «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزشها و معضلهها (بایسته‌های اخلاقی تبلیغ دین از منظر آیت‌الله جوادی آملی)». *حکمت اسراء*، ش ۱۳: ۲۰۱-۱۷۱.
- حسینیان، سید حامد؛ مسعود کیان پور و علی ربانی خوراسگانی (۱۳۹۸). «توصیف کیفی فراگرد ارتباط مردم و روحانیت در تبلیغ دین؛ نگرشی آسیب‌شناسانه از منظر روحانیون مبلغ نخبه». *پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۸(۳): ۸۲-۵۷.
- حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۵). «میزان دینداری زنان دانشجوی و عوامل اجتماعی مؤثر در آن (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)». *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۹(۷۳): ۱۵۱-۱۲۵.
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۹۸). *برنامه توسعه اخلاق در دانشگاه: پروتکل مهارتهای نیک زیستن*. دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. [پژوهش منتشر نشده].
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۹۷). *تحلیل دیدگاه استادان، دانشجویان، روحانیون و مدیران فرهنگی درباره جایگاه دروس عمومی در دینداری دانشجویان به منظور ارائه راهکارهایی برای ارتقای اثربخشی دروس عمومی در گرایش دانشجویان به دینداری*. دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. [پژوهش منتشر نشده].
- خدایاری فرد، محمد؛ باقر غباری بناب، الهه حجازی و رامین هاشمی گشینگانی (۱۳۹۸). «روابط بین فردی درون خانواده و دینداری نوجوانان: ارائه یک مدل ساختاری». *روان‌شناسی دین*، ش ۱۲(۳): ۷۱-۵۵.
- رحیمی، محمد؛ زهرا حضرتی صومعه و اقباله عزیزخانی (۱۳۹۵). «سنجش میزان برخورداری دانشجویان از شاخصهای دینداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)». *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ش ۲۱(۶): ۹۹-۱۱۸.
- رضادوست، کریم؛ علی حسین حسین‌زاده و حلیمه مصطفایی دولت‌آبادی (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناسی برخی از عوامل مؤثر بر میزان دینداری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۰: ۳۸-۱.

- سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴). «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی: قابلیت‌ها و کاستی‌ها». *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱۱: ۵۵-۳۵.
- فتحی، ابراهیم و ربابه فتحی (۱۳۹۲). «انتظارات افشار مختلف از روحانیون». *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ش ۱(۲): ۳۱-۲.
- فتحی، منصور؛ نسرین مروّتی و نادر مروّتی (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر سنندج». *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ش ۵: ۱۶۶-۱۴۴.
- قاسمی، حمیده؛ سید اسماعیل هاشمی، مهناز مهرایی‌زاده هنرمند، ایران داوودی و عبدالزهره نعمی (۱۳۹۵). «پیش‌بینی دینداری دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بر اساس خودکارآمدی الگوبرداری معنوی، ادراک از دینداری والدین و ویژگی‌های شخصیتی». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۱۷(۴): ۳۰-۲۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). *اصول کافی*. محمدباقر کمره‌ای. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- کمیته برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی (۱۳۸۳). *عناوین درسی و سرفصل دروس معارف اسلامی*. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: معاونت آموزشی.
- میرزایی، خلیل؛ لیلا آفاسیدحسینی و علی فلاحی (۱۳۹۵). «رابطه دینداری و عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی نیکوکاری». *دین و ارتباطات*، ش ۲۲(۲): ۱۷۳-۱۳۷.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و محسن تقی‌زاده (۱۳۹۵). «واکاوی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر دین‌پذیری دانشجویان». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۲۰(۳): ۳۵۸-۳۴۵.
- نوربخش، یونس؛ محمد مهدی مولایی و حامد طالبیان (۱۳۹۲). «تأثیر انواع رسانه بر دینداری دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور». *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ش ۱(۲): ۷۰-۴۷.
- نوروزی، فیض‌اله و فرهادیان، سعید (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر دینداری جوانان». *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ش ۲۳: ۳۰-۷.
- یوسفی لویه، وحید (۱۳۸۶). «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان». *تربیت اسلامی*، ش ۳(۵): ۱۸۴-۱۵۳.
- Aleksynska, M. & B.R. Chiswick (2013). "The determinants of religiosity among immigrants and the native born in Europe". *Review of Economics of the Household*, 11(4): 563-598. DOI 10.1007/s11150-013-9188-7.
- Bayraktar, M.M. (2017). "The factors affecting religious development in the context of religious education in Turkey". *US-China Education Review*, 7(3): 169-177.
- Bradshaw, M. & C.G. Ellison (2008). "Do genetic factors influence religious life? Findings from a behavior genetic analysis of twin

- siblings". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47(4): 529-544. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5906.2008.00425.x>
- Collins, B.W. (2011). **The effects of media use on religious individual's attitude toward and knowledge of science**. A thesis approved by the department of Journalism and Media Arts. Submitted to the Graduate Faculty of Baylor University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts.
 - Cosgel, M.M.; J. Hwang, Th.J. Miceli & S. Yildirim (2019). **"Religiosity: identifying the effect of pluralism"**. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 158: 219-235. Doi: 10.1016/j.jebo.2018.11.018
 - Davies, G. & L.J. Francis (2007). **"Three approaches to religious education at key stages one and two wales: how different are church schools?"**. *Journal of Beliefs & Values*, 28(2): 163-182.
 - Furstenberg, F. (2012). **"The religious factor in Eastern Europe-theoretical considerations on emergent forms of secularized religion"**. In: *Transformations of Religiosity@ religion and religiosity in eastern Europe 1989-2010*. Edited by Gert Pickel & Kornelia Sammet. 21-28.
 - Goodman, M.A. & W.J. Dyer (2020). **"From parent to child: family factors that influence faith transmission"**. *Psychology of Religion and Spirituality*, 12, 2: 178-190.
 - Hajinejad, F.; E. Ebrahimi, A. de Jong & m. Ravanipour (2019). **"Factors promoting Iranian older adults' spirituality: a qualitative content analysis"**. *BMC Geriatrics*, 19(1): 1-10.
 - Liao, X. (2019). **"China: some exceptions of secularization thesis"**. *Religion*, 10(56). doi:10.3390/rel10010056.
 - McCleary, R.M. & R.J. Barro (2006). **"Religion and political economy in an international panel"**. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 45(2): 149-175.
 - Perez-Agote, A. (2014). **"The notion of secularization: drawing the boundaries of its contemporary scientific validity"**. *Current Sociology Review*, 62(6): 886-904. DOI: 10.1177/0011392114533333
 - **Petts, R.J. (2015)**. "Parental religiosity and youth religiosity: variations by family structure". *Sociology of Religion*, 76: 120-196. doi:10.1093/socrel/sru064
 - Schieman, S. (2010). **"Socioeconomic status and beliefs about God's influence in everyday life"**. *Sociology of Religion*, 71(1): 25-51.
 - Sorea, D. (2017). **"Some considerations of the future of secularization"**. *Bulletin of the Transilvania University of Brasov*, 10(59): 93-106.
 - **Spilman, S.; T. Neppl, M. Donnelan, T. Schofiend & R. Conger (2012)**. "Incorporating religiosity into a developmental model of positive family functioning across generations". *Developmental Psychology*, 4: 762-774.
 - Stearns, M. & C. McKinney (2017). **"Perceived parent-child religiosity: Moderation by perceived maternal and paternal warmth and autonomy granting and emerging adult gender**. *Psychology of Religion and*

- Spirituality**". *Advance online publication*.
<http://dx.doi.org/10.1037/rel0000142>
- Stearns, M. & C. McKinney (2018). "Transmission of Religiosity from parent to Child: Moderation by Perceived Parental Depression and Anxiety". *Journal of Family Issues*, 39(12): 1-26. <https://doi.org/10.1177/0192513X18776355>.
 - Uecker, J.E. & Ch.G. Ellison (2012). "Parental Divorce, Parental Religious Characteristics, and Religious Outcomes in Adulthood". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 51: 777-94.
 - Uecker, J.E.; M.D. Regnerus & M. Vaaler (2007). "Losing my religion: the social sources of religious decline in early adulthood". *Social Forces*, 85(4): 1667-1692.
 - Verschoor-Kirss, A. (2012). "Even Satan gets likes on Facebook: The dynamic interplay of religion and technology in online social networks". *Journal of Religion & Society*, 14(1): 10-12.
 - Zareie, M.; A. Raeisi & S. Saeidi (2015). "Studying social factors affecting religious beliefs of students". *International Academic Journal of Social Sciences*, 2(9): 1-9.
 - Zielinska, K. (2013). "Concepts of religion in debates on secularisation". *Approaching Religion*, 3(1): 25-35.
 - **Holy Quran**. Translated by Mohammad Mehdi Foladvand.
 - Abolmaali, Kh. (2012). **Qualitative research; theory and application**. Tehran: Elm.
 - Amiri, M. & M. Zolfagharzadeh (2019). "The Estimate of Consequences of Trends in Religion in the Future of Religious Propagation". *Journal of Culture-Communication Studies*, 20(45): 235-262. doi: 10.22083/jccs.2019.144720.2533
 - Bazargan, A. (2019). **An introduction to Qualitative and Mixed Methods Research**. Tehran: Didar Publisher.
 - Busaliki, H. (2012). "Relationship between the Divine Law and Policy in The ethics of religious propagation in the contemporary world; the values and conflicts, and the moral necessities in religious propagation from the viewpoint of Ayatollah javadi Amuli". *Isra Hikmat*, 4(3): 171-201.
 - Fathi, I. & R. Fathi (2013). "A common people's expectations of clergymen". *Islam and Social Studies*, 1(2): 2-31.
 - Fathi, M.; M. Morovati & N. Morovati (2015). "An investigation into the effective factors contributing to the rate of youth religiosity in Sanandaj". *The Quarterly Journal of Social Work Research*, 2(5): 144-170.
 - Ghasemi, H.; E. Hashemi, M. Mehrabi Zadeh Honarmand, I. Davoodi & A. Neami (2017). "Spiritual modeling self- efficacy perception of parental religiousness and personality traits as predictors of student's

- religiousness**". *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 17(66): 21-30.
- Hazrati Someeh, Z. (2016). **"The degree of university female student's piety and social factors affecting it"**. *Women's Strategies Quarterly*, 19(73): 125-151.
 - Hoseinian, S.; M. Kianpour & A. Rabbani Khorasgani (2019). **"Qualitative Description of Harms in the Communication between People and the Clergy in Islamic Preaching from the Viewpoint of Elite Preachers"**. *Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan*, 8(3): 57-82. doi: 10.22108/srsp.2019.117828.1427
 - Khodayarifard, M. (2019). **Positive psychology protocol. Unpublished research**. University of Tehran, Faculty of Education and Psychology.
 - Khodayarifard, M.; B. Ghobari Bonan, E. Hejazi & R. Hashemi (2019). **"Interpersonal communication at family and adolescent's religiosity"**. *Psychology and Religion*, 14(3): 7-24.
 - Kulayni, Mohammad ibn Yaq'ub (2000). **Kitab al-Kafi**. Tehran: al Maktab Eslamiyeh.
 - Mirshah Jafari, E. & M. Taghizadeh (2016). **"Analyzing and prioritizing the affecting factors on the religious acceptance of students"**. *Iranian Journal of Management in the Islamic University*, 20(68): 345-358.
 - Mirzaei, K.; L. Aghahasani & A. Fallahi (2016). **"The impact of religiosity on membership in charitable social networks"**. *Religion and Communication*, 23(50): 147-174.
 - Nourbakhsh, Y.; M.M. Molaei & H. Talebian (2013). **"Effect of different media on University student's faithfulness all over the country"**. *Iranian Journal of Management in the Islamic University*, 2(5): 47-70.
 - Nouroozi, F. & S. Farhadiyan (2014). **"Impact of social and cultural factors on youth faith (case study: students in faculty of management and social sciences, Islamic azad university-north Tehran branch)"**. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 13(23): 7-30.
 - Rezaдост, K.; A. Hoseinzadeh & H. Mostafayi (2012). **"A sociological investigation of factors affecting religiosity: a case study of students at Shahid Chamran University"**. *Social Development & Welfare Planning*, 4: 1-38.
 - Sajadi, S.M. (2005). **"Explaining and assessing the rational approach to religious education (capacities and reductions)"**. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 4(1): 38-57.
 - Yousefi Looyeh, V. (2008). **"The effectiveness of "Islamic knowledge" training on student's religious attitude"**. *Biquarterly Journal of Islamic Education*, 3(5): 153-184.

